

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

صفحات: ۵۳ - ۷۲

استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت منطقه (۲۰۰۱ - ۲۰۱۷)

علی اصغر غفاری چراتی

دانشجوی مقطع دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

حسن خداوردی*

استادیار روابط بین‌الملل و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

چکیده

کشیده شدن تدریجی طرح سپر دفاع موشکی ایالات متحده از اروپا به منطقه خلیج فارس، در طول یک دهه گذشته و استقرار اجزای راداری و پدافندی این طرح، در جای جای منطقه خلیج فارس چه در پهله خشکی و چه در پهله شناوری آن، آثار و پیامدهای متناهی را نیز برای نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به همراه داشته و امنیت شکننده منطقه خلیج فارس را بیش از پیش متاثر از خود نموده است. موردی از قبیل شروع مسابقه تسلیحاتی، برهم خوردن موازنه قدرت، تیرگی روابط و بی‌ثباتی منطقه‌ای و از همه مهمتر اتحاد سه‌جانبه اعراب، اسرائیل و آمریکا را می‌توان از پیامدهای امنیتی استقرار این طرح در منطقه خلیج فارس دانست. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر این است تا با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای، پس از بررسی دلائل شکل‌گیری سپر دفاع موشکی، گسترش آن به منطقه خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت این منطقه نیز مورد تحلیل و واکاوی دقیق قرار دهد. اجرای این طرح در منطقه خلیج فارس آثار و پیامدهای متناهی را برای نظام بین‌الملل و در راس آن منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به همراه خواهد داشت و بر امنیت این منطقه تاثیر گذار خواهد بود و در مقابل حساسیت بسیاری از کشورهای منطقه از جمله ایران را نسبت به سرشت و سرنوشت نهایی این طرح بر می‌انگیزد.

واژگان کلیدی: سپر دفاع موشکی، خلیج فارس، خاورمیانه، امنیت، آمریکا

* نویسنده مسئول مکاتبات: hakhodaverdi@gmail.com

۱- مقدمه

تسلیحات موشکی به عنوان سلاحی کارآمد برای حمله به دشمن و یا با هدف بازدارندگی، از جنگ جهانی دوم به بعد در زرادخانه‌های نظامی کشورهای جهان جایگاه مهمی پیدا کرده است. در مقابل تلاش برای ایجاد سپر دفاع موشکی رسوخ ناپذیر جهت ردیابی و مقابله با انواع موشک‌های بالستیک شلیک شده از زمین و دریا و نابود کردن آن‌ها در طول مسیر و قبل از اصابت به هدف، یکی از دغدغه‌های طولانی مدت و از جمله برنامه‌های پر هزینه نظامی و دفاعی و یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های استراتژی نظامی ایالات متحده در طول سال‌های متمادی بوده است. با روی کار آمدن جرج دبلیو بوش به عنوان ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ میلادی و متعاقب آن حملات تروریستی به برج‌های تجارت جهانی در آمریکا، زمینه‌ها برای عملی سازی رویای رونالد ریگان که در سال ۱۹۸۳ مطرح شده، به مرحله اجرا در آمد و متعاقبا با خروج ایالات متحده از پیمان ضد موشکی بالستیک، گام نخست برای استقرار سپر دفاع موشکی برداشته شد.

تصمیم آمریکا برای اجرا و پیگیری چنین طرحی به بروز مجادلات و مناظرات گسترده‌ای در جهان منجر گردید. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران سیاسی، اجرای این طرح، بر معادلات امنیتی حاکم بر جهان تأثیر فزاینده و دگرگون‌سازی گذاشته است. این تأثیرات زمینه‌ساز تغییرات بنیادینی در نظام بین‌الملل و محرکی برای شکل‌گیری ترتیبات امنیتی تازه گردیده است.

از طرفی تحولات مربوط به سپر دفاع موشکی و کشیده شدن دامنه این طرح از اروپا به منطقه خاورمیانه و در راس آن منطقه خلیج فارس، بیش از پیش بر مناسبات کشورهای منطقه خلیج فارس با یکدیگر و همچنین مناسبات این کشورها با آمریکا سایه انداخته است. ایالات متحده اصرار می‌ورزد که تهدیدات موشکی برخی دولت‌های سرکش و گروه‌های خاص به خصوص در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، الزام قاطعی را برای گسترش و تکمیل این برنامه در این منطقه ایجاد می‌کند.

استقرار تدریجی سپر دفاع موشکی در منطقه خلیج فارس با گذشت بیش از یک دهه همچنان در حال اجرا می‌باشد. ظهور مولفه‌های جدید تاثیرگذار در گسترش این طرح در منطقه، با گذشت زمان و نصب و استقرار سامانه‌های جدید وابسته به این طرح در جای جای منطقه، نیاز به یک پژوهش با در نظر گرفتن تمامی مولفه‌های نوظهور تاثیرگذار بر گسترش و استقرار این طرح در منطقه خلیج فارس دارد. لذا این پژوهش قصد دارد با در نظر گرفتن مولفه‌های تاثیرگذار بر این طرح، به این پرسش پاسخ دهد که: استقرار سپر دفاع موشکی خلیج فارس چه تاثیری بر امنیت این منطقه دارد؟

استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت منطقه ۵

فرضیه‌ای که در این راستا مطرح می‌گردد این است اجرای برنامه سپر دفاع موشکی آمریکا در منطقه خلیج فارس بر معادلات امنیتی حاکم بر منطقه تاثیر فزاینده و دگرگون سازی خواهد داشت و زمینه‌ساز شکل‌گیری ترتیبات امنیتی جدید در این منطقه می‌گردد. از طرفی اجرای این طرح نه تنها باعث ایجاد ثبات و امنیت پایدار در منطقه خلیج فارس نمی‌گردد، بلکه عاملی منفی در جهت بر هم زدن نظم طبیعی منطقه و همچنین برهم زدن توازن قدرت و شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی جدید در این منطقه می‌گردد.

۲- چارچوب نظری: رئالیسم تهاجمی

نظریه‌های رئالیستی از آغاز شکل‌گیری رشته روابط بین‌الملل نظریه غالب سیاست جهانی بوده‌اند. در قرن بیستم پس از ناکامی نظریه‌های ایده‌یستی در تبیین و تحلیل رویدادها و تحولات نظام بین‌الملل، تئوری‌های رئالیستی حضور چشم‌گیری در عرصه‌ی تئوریک روابط بین‌الملل یافتند. اگرچه می‌توان خط مشی این نظریه‌ها را تا دوران باستان نیز مشاهده نمود، اما استفاده از این رویکرد به صورت یک رویکرد نظری برای تجزیه و تحلیل سیاست بین‌الملل از اواخر دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ وارد عرصه‌ی روابط بین‌الملل شد. (قوام، ۱۳۸۴: ۷۹)

در کنار دو نوع نظریه رئالیسم فطری (Natural Realism) که نظریه‌پردازان کلاسیک مانند مورگنتا به آن اعتقاد دارند و رئالیسم تدافعی (Defensive Realism) مورد نظر استفان والت و جک اسنایدر، نوع دیگری از رئالیست توسط جان مرشایمر مورد بحث قرار می‌گیرد که از آن تحت عنوان رئالیسم تهاجمی (Offensive realism) یاد می‌کنند. در رئالیسم تهاجمی نیز ساختار نظام بین‌الملل نقش اصلی و تعیین‌کننده دارد، اما برخلاف نظر والت دولت‌ها همواره در راستای حفظ وضع موجود نمی‌کوشند و خصلتی تدافعی ندارند، بلکه دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت، خصلتی تهاجمی به خود می‌گیرند. رئالیسم کلاسیک (Classical Realism) علت تهاجمی بودن دولت‌ها را فطرت و ذات شرور انسان می‌داند، در صورتی که مرشایمر معتقد است، علت اساسی تهاجمی بودن دولت‌ها ساختار نظام بین‌الملل می‌باشد. مرشایمر می‌گوید که دولت‌های طرفدار حفظ وضع موجود، به ندرت در عرصه سیاست جهانی یافت می‌شوند. چرا که ساختار نظام بین‌الملل انگیزه‌ای قوی برای افزایش قدرت به بهای کاهش قدرت دیگری داده است. در رئالیسم تهاجمی نیز قدرت‌های بزرگ نقش تعیین‌کننده و اصلی دارند و تعیین‌کنندگان اصلی در سیاست بین‌الملل قدرت‌های بزرگ می‌باشند. (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۵-۱۸۸)

رئالیست‌های تهاجمی همانند رئالیست‌های سنتی بر این باورند که به علت آنارشیک بودن ماهیت نظام بین‌الملل، مخاصمه در نظام بین‌الملل اجتناب‌ناپذیر است. به عبارت دیگر در نگاه آن‌ها «آنارشی» از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این آنارشی عموماً وضعیتی هابزی است

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

که در آن امنیت امری کمیاب است و دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن امتیازات نسبی خود به آن نائل شوند. رئالیست‌های تهاجمی، دولت‌ها را بازیگرانی خردورز و کارگزاران اصلی در نظام بین‌الملل می‌دانند که عمده هدفشان کسب قدرت به منظور دستیابی به امنیت برای تضمین بقای خود می‌باشد. به عبارت دیگر آن‌ها بر این باورند که تهاجم امری ذاتی برای دولت‌ها به شمار می‌رود. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۳-۱۳۰)

به باور مرشایمر، پنج فرض بنیادین انگیزه رفتار تهاجمی قدرت‌های بزرگ را تبیین می‌نماید. نخست، نظام بین‌الملل آنارشیک است. دوم، دولت‌ها دارای قابلیت‌هایی تهاجمی و در نتیجه توان صدمه‌زدن به یکدیگر را دارند. سوم، دولت‌ها نسبت به نیات واقعی یکدیگر نامطمئن هستند. چهارم، اولین هدف دولت‌ها تضمین بقاست و پنجم اینکه قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عقلانی هستند. آن‌ها برای بقای خود رفتار استراتژیک مناسب را برگزیده، به اولویت‌های دیگر دولت‌ها و تاثیر سیاست‌های آن‌ها توجه داشته و به عواقب کوتاه مدت و پیامدهای بلند مدت رفتار خود نیز توجه دارند. هنگامی که فرضیات مزبور به هم پیوند می‌خورند، انگیزه‌های رفتار تهاجمی قدرت‌های بزرگ را به وجود می‌آورند. (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۶) رهبران کشورها باید آن دسته از سیاست‌های امنیتی را دنبال کنند که دشمنان بالقوه‌ی آنان را تضعیف می‌کند و قدرت آن‌ها را نسبت به بقیه کشورها افزایش می‌دهد. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۴۲-۴۲۵)

آن‌ها معتقدند آنارشی دولت‌ها را وادار می‌کند که قدرت نسبی خود را به حداکثر رسانند زیرا امنیت و بقا در درون نظام بین‌الملل، هیچ گاه قطعی نیست و دولت‌ها می‌کوشند قدرت خود را به حداکثر برسانند. البته اکثر دولت‌ها همواره درگیر توسعه‌گرایی نامحدود نیستند و در مواردی که منافع این امر بیش از هزینه‌ای آن باشد، به آن مبادرت می‌نمایند. (قوام، ۱۳۸۴: ۸۹) رئالیسم تهاجمی پیش‌بینی می‌کند که دولت‌ها نسبت به مسأله موازنه قوا کاملاً حساس بوده و مترصد فرصت‌هایی جهت افزایش قدرت خود یا تضعیف رقبا خواهند بود. در عمل این امر بدان معناست که دولت‌ها نوعی استراتژی‌های دیپلماتیک اتخاذ خواهند کرد که منعکس‌کننده فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است که توسط توزیع خاص قدرت ایجاد شده است. (موسوی، ۱۳۸۳: ۳۰۸) مطابق آموزه‌های نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، ایالات متحده به عنوان تنها هژمون منطقه‌ای، با پیگیری راهبرد تهاجمی سعی در ایجاد سیطره خود در سطوح منطقه‌ای و جهانی دارد و از راهبردهای متنوعی برای تثبیت توازن مطلوب در مقابل کشورهای به‌زعم خود تهدیدکننده بهره‌برداری می‌کند. ایالات متحده به منطقه خلیج فارس که بخشی از محیط فوری امنیتی ایران است، از حیث وجود نفت و گاز که تغذیه‌کننده اقتصاد آسیا و اروپاست و سایر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، توجه خاصی دارد و بخشی از ارتش خود را مخصوص جنگ در این منطقه طراحی کرده است. (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت منطقه

برای دولت تهاجم گرا، منطق و ضرورت میانه روی و خویشتن داری قابل درک نیست و در هر شرایطی به دنبال به حداقل رساندن قدرت نسبی خود و تضعیف دیگران است. برای دولت تهاجم گرا، قاعده بازی در وهله اول بازدارندگی است و در این بازی، مسابقه تسلیحاتی و احتمال جنگ شدت دارد. آمریکا در تحلیل راهبردی خود پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، به این نتیجه رسیده که تهدیدهای متنوعی علیه امنیت ملی آمریکا در حال شکل گیری است که باید با فرآیندهای دفاعی و راهبردی به گونه‌ای سازماندهی و عملیاتی شود که منجر به تحقق «امنیت جامع و یکجانبه» برای آمریکا گردد. این امر به معنی طراحی ساختار و پروژه‌های نظامی مانند گسترش سپر دفاع موشکی است که بتواند امنیت آمریکا را فراتر از الگوی معمول بازدارندگی تأمین نماید. جالب توجه است در مراحل استقرار و گسترش سپر دفاع موشکی، مخصوصاً بخش مربوط به خاورمیانه و خلیج فارس، روسیه، چین و اتحادیه اروپا به عنوان اصلی‌ترین رقبای آمریکا، واکنش شدیدی از خود نشان نداده‌اند و تنها مخالفت‌های ضمنی خود را ابراز داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد، در فضای موازنه قوا، بازیگران مؤثر تمایل چندانی به مقابله با قدرت هژمون آمریکا ندارند. (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۰۷)

در این پژوهش با بررسی تلاش‌های ایالات متحده در زمینه استقرار و گسترش سپر دفاع موشکی به خصوص در منطقه خلیج فارس نشان خواهیم داد که چگونه رهبران این کشور در یک دهه اخیر بر پایه نظریه‌های رئالیسم تهاجمی در پی کاهش آسیب‌پذیری خود در مقابل تهدیدات احتمالی آینده و بازداشتن مخالفان و دشمنان از ایجاد هرگونه مخاطره و تهدید با استفاده از توان نظامی و به ویژه موشکی بر علیه ایالات متحده و منافع این کشور و هم پیمانان آن و از طرفی تغییر در موازنه قدرت و حداکثرسازی امنیت و هژمونی جهانی می‌باشند.

۳- روند شکل‌گیری سپر دفاع موشکی

طرح استقرار سامانه‌های دفاع ضد موشکی حدود هفت دهه است که در قلب معماهای سیاست بین‌الملل قرار دارد. رهبران ایالات متحده در دوره‌های مختلف با توجیهات گوناگون، همواره ادعای تهدید موشکی بازیگران مختلفی را مطرح نموده و اعلام کرده‌اند که در مقابل تهدید موشکی کشورهای دارنده موشک‌های دوربرد بالستیک، اقدام به استقرار سامانه‌های دفاعی خواهند نمود که بتوانند از شهروندان، سرزمین، نیروهای فرا قاره‌ای و نیز متحدین این کشور محافظت نمایند، در این راستا، دولتمردان و نخبگان امنیتی و نظامی واشنگتن از اواخر جنگ جهانی دوم شروع به سرمایه‌گذاری در زمینه پژوهش در مورد چگونگی استقرار سپر دفاع موشکی نمودند. (کاظمی و حسین زاده، ۱۳۹۲: ۳۰)

رونالد ریگان (رئیس جمهور وقت ایالات متحده) نگرش استراتژیک را در دهه هشتاد با طرح

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

"ابتکار دفاع استراتژیک" به شدت متحول ساخت. او اعلام کرد که مردم احساس امنیت بیشتری خواهند داشت اگر بدانند که امنیت آن‌ها مبتنی بر تهدید تلافی فوری بر علیه حمله‌کننده نخواهد بود، بلکه ناشی از توانایی دفاعی آن‌ها خواهد بود و این آغاز حرکت به سوی جایگزینی خط مشی برتری سلاح‌های تهاجمی به وسیله خط مشی برتری سلاح‌های دفاعی برای حفظ امنیت به عنوان محور اصلی صلح هسته‌ای می‌باشد. که بوش (پسر) آن را سرلوحه سیاست انتخابی خود قرار داده بود. دفاع ضد موشکی به مفهوم کناره‌گیری استراتژیک و فرو رفتن در لاک دفاعی نمی‌باشد، بلکه به مفهوم افزایش قدرت مانور برای دفاع موثرتر از خود و متحدین می‌باشد. (دهشیار، ۱۳۸۳: ۱۸۵-۱۸۴) طرح ریگان میزان فشارهای ناشی از رقابت تسلیحاتی با آمریکا را برای شوروی افزایش می‌داد و هزینه‌ای سنگین مالی بر ایالات متحده تحمیل می‌نمود، لذا با روی کار آمدن گورباچف و کاهش تنش در روابط دو ابرقدرت، پیشبرد طرح سامانه جامع دفاع ملی ایالات متحده نیز متوقف شد. سپس واشنگتن و مسکو موافقتنامه منع گسترش موشک‌های بالستیک را امضاء نمودند. (مرشایمر، ۱۳۸۸: ۳۴۵). در پی فروپاشی شوروی، جنگ سرد خاتمه یافت، اما تمناى آمریکا برای هژمونی جهانی، به مثابه یک قدرت بزرگ نه تنها فروکش نکرد، بلکه فرصتی برای بروز یافته و در صدد برآمده که شکاف در میزان قدرت خود و رقبای احتمالی‌اش را افزایش دهد، عدم قطعیتی که در سیستم بین‌المللی وجود داشت، آمریکا را نیز ناگزیر از جستجوی همیشگی قدرت بیشتر ساخته بود. لذا با پایان جنگ سرد و کاهش تهدیدات موشکی شوروی، برای مشروع نمودن پیشبرد طرح‌های سامانه‌های دفاع ضد موشکی، تهدیدات قدرت‌های نوظهور موشکی را برجسته نمود. (کاظمی و حسین زاده، ۱۳۹۲: ۴۱) در این بین مهمترین وجه سیاست دولت بوش که در توسعه طرح دفاع موشکی تأثیر گذاشت تصمیم این کشور به خروج از معاهده موشکی ضد بالستیک در سال ۲۰۰۱ بوده است. تا این زمان، معاهده موشکی ضد بالستیک یک مانع مهم برای توسعه سیستم دفاع موشکی بالستیک محسوب می‌شد. (امیری، ۱۳۸۶: ۱۳۱) سپر دفاع موشکی، آمریکا را بی نیاز از این خواهد ساخت که نگران دستیابی کشورهای غیر غربی به تکنولوژی هسته‌ای و موشکی باشد که ثروت‌های ملی خود را در بطن فقر وسیع و بی‌عدالتی اجتماعی صرف به دست آوردن تکنولوژی هسته‌ای و موشکی برای حمله احتمالی به آمریکا می‌کنند. دکترین استراتژیک آمریکا در چارچوب استقرار دفاع موشکی بر این اساس شکل گرفته است که اولاً میزان ثبات سازی در سیستم بین‌الملل را در بطن کاهش آسیب‌پذیری در قبال حمله منتظره و یا غیرمنتظره افزایش دهد. ثانياً میزان بقاپذیری بعد از پذیرش تهاجم را افزایش دهد. ثالثاً میزان هزینه مالی دفاع را به میزان کمتر از هزینه مالی که مهاجم برای حمله می‌پردازد برساند. (دهشیار، ۱۳۸۳: ۸۱-۸۲)

۴- استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه خلیج فارس

در هر نقطه از دنیا، دولت آمریکا در حال پیگیری رویه‌ای مرحله به مرحله و زمان بندی شده می باشد، تا سیاست دفاع موشکی بالستیک خود را در صورت ظهور تهدیدات موشکی، به شکلی انعطاف پذیر محقق نماید. رویه واشنگتن در زمینه دفاع موشکی در هر منطقه، بسته به تهدیدات ویژه آن منطقه و نیز سطح همکاری‌های منطقه‌ای که با آن روبه‌روست، تفاوت دارد. واشنگتن پس از جنگ جهانی دوم به عنوان قدرتی فرامنطقه‌ای وارد معادلات خاورمیانه شده است، در عصر جنگ سرد یکی از اهداف ایالات متحده، ممانعت از گسترش نفوذ شوروی در خاورمیانه بود. پس از جنگ سرد نیز ایالات متحده نسبت به معادلات توازن قوای منطقه‌ای در خاورمیانه با حساسیت نگریده است. هژمونی یک قدرت منطقه‌ای بر خاورمیانه می‌تواند، منافع امنیتی ایالات متحده را در این منطقه با چالش مواجه نماید. بر این اساس ایالات متحده در راستای حفاظت از نظم منطقه‌ای مطلوب خود در خاورمیانه، در حال تجهیز متحدین منطقه‌ای خود به سامانه‌های دفاع ضد موشکی می‌باشد، تا مانع از برتری موشکی ایران و متحدینش در موازنه راهبردی تسلیحاتی در خاورمیانه شود. بر این اساس ایالات متحده از گسترش سامانه‌های دفاع موشکی در حوزه کشورهای عربی خلیج فارس، اسرائیل و ترکیه حمایت نموده است. (کاظمی و حسین زاده، ۱۳۹۲: ۴۹) پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده با توجه به ضربه سهمگینی که متحمل شد و با وقوف به ماهیت متفاوت تهدیدهای تروریستی نوین، به بازسازی سیاست‌ها و الگوی امنیتی خود در خلیج فارس مبادرت نمود. از این رو منطقه خلیج فارس بیش از پیش در اولویت‌های امنیتی آمریکا قرار گرفت. عراق و ایران کماکان به عنوان چالش‌گرانی مهم در برابر سیاست‌های آمریکا در منطقه و حتی خارج از منطقه مطرح شدند. اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، تقویت ترتیبات نظامی دو جانبه با کشورهای عربی خلیج فارس و انزوای کامل ایران، سه بعد اساسی سیاست سیطره آمریکا در منطقه خلیج فارس بعد از ۱۱ سپتامبر محسوب می‌شد. (واعظی، ۱۳۸۹: ۲۱)

براساس اسناد راهبردی آمریکا، منتشر شده در سال ۲۰۱۰، خاورمیانه یکی از مناطق اصلی جغرافیایی، موجد تهدید برای منافع آمریکا معرفی شده است. که شامل دو زیر سیستم خلیج فارس و شرق مدیترانه می‌شود. در این منطقه، تنها قدرتی که سیاست بازدارندگی باید در قبال آن صورت پذیرد، جمهوری اسلامی ایران است. در خاورمیانه که اتحاد چند جانبه‌ای مثل ناتو وجود ندارد، آمریکا بازدارندگی خود را از طریق ایجاد اتحادهای دو جانبه، روابط امنیتی و حضور نظامی مستقیم و ارائه ضمانت‌های امنیتی به کشورهای منطقه بسط می‌دهد. دو بعد اساسی استراتژی دفاعی آمریکا در خاورمیانه عبارت است از؛ حفظ برتری نظامی کیفی اسرائیل در منطقه، که مشتمل بر کمک‌های مالی سالیانه، تجهیزات نظامی، رزمایش‌های مشترک و غیره

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
می‌باشد و دیگری تقویت مولفه‌های متعارف سیاست بازدارندگی آمریکا و متحدان او در منطقه،
در مقابل ایران است. (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۳۶)

باراک اوباما بعد از تصدی ریاست جمهوری آمریکا، در نطق معروف خود در سپتامبر ۲۰۰۹ با امنیتی کردن برنامه موشک‌های بالستیک ایران به عنوان عامل کلیدی مؤثر بر تصمیم دولت وی برای تغییر طرح بوش پسر، توان دفاع موشکی ایران را تهدید خوانده و به صراحت گفت: زرادخانه موشکی تهران اکنون قادر به زدن اروپاست. (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۱۰) یکی از مؤلفه‌های استراتژی ایالات متحده در امور منطقه‌ای، تأکید بر حضور پایدار در منطقه است. آمریکا حضور در مناطق را به منظور ایجاد ثبات کوتاه و بلندمدت ضروری تصور می‌نماید؛ چرا که از نظر این کشور حضور در مناطق می‌تواند خود به خود ارزش بازدارندگی داشته باشد. ایالات متحده در راستای بازدارندگی خود در برابر کشورهای چالشگر، تلاش نموده تا توان دفاعی کشورهای حوزه خلیج فارس را تقویت نماید، که ایجاد سپر دفاع موشکی و استقرار آن در کشورهای خلیج فارس، در صدر اولویت‌های این کشور قرار می‌گیرد. (میرزاخانی و زواری، ۱۳۹۵: ۴۳) روند استقرار و شکل‌گیری سپر دفاع موشکی در منطقه خلیج فارس در حال حاضر در فاز میانی خود می‌باشد. سپر دفاع موشکی از سه بخش مهم شامل؛

۱- رادارهای مراقبت اولیه برد بلند و ماهواره‌های مراقبتی و نظامی، ۲- بخش پرتابی سپر دفاع موشکی شامل سامانه سپر موشکی GMD، سامانه دفاع ضد موشکی بالستیک AEGIS، سامانه ضد موشکی THAAD و سامانه ضد موشکی پاتریوت و سومین و مهمترین بخش سپر دفاع موشکی یعنی بخش فرماندهی و کنترل این سامانه (C₂BMC) می‌باشد.

در منطقه خاورمیانه و در راس آن منطقه خلیج فارس، بخش رادارهای مراقبتی برد بلند و بخش پرتابی سپر دفاع موشکی به تدریج در حال نصب و بهره‌برداری می‌باشد. استقرار رادارهای مراقبت اولیه برد بلند و ماهواره‌های مراقبتی و نظامی پوشش‌دهنده منطقه خلیج فارس از قبیل استقرار رادارهای برد بلند ایکس باند در اسرائیل و ترکیه با برد حدود ۵ هزار کیلومتر، خرید و استقرار رادارهای ۲-AN/TPY توسط امارات متحده عربی با برد ۱۰۰۰ کیلومتر، خرید این رادار توسط کشور عربستان و تحویل آن در آینده‌ای نزدیک به این کشور، استقرار رادار برد بلند ۵۹-AN/TPS با برد ۷۴۰ کیلومتر مستقر در بحرین و از همه مهمتر خرید سامانه راداری برد بلند ۱۳۲-AN/FPS توسط کشور قطر با برد ۵۰۰۰ کیلومتر و استقرار آن در آینده‌ای نزدیک در این کشور، همگی حاکی از شتاب فزاینده ایالات متحده در استقرار بخش مراقبتی سپر دفاع موشکی در این منطقه، جهت رصد موشک‌های بالستیک پرتابی از طرف کشورهای دشمن آمریکا می‌باشد.

خرید، نصب و بهره‌برداری گسترده کشورهای امارات متحده عربی، عربستان، قطر، بحرین و

استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت منطقه

کویت از حجم بالایی از سامانه ضد موشکی پاتریوت در مدل‌های PAC₂ و PAC₃ و استقرار آنها در مناطق حساس و حیاتی و حتی استقرار تعدادی از آنها در مناطق محل استقرار نیروهای فرمانطقه‌ای در راس آن آمریکا در یک دهه گذشته، حضور گسترده و چشمگیر شناورهای رزمی ایالات متحده اعم از ناوشکن‌ها و رزم ناوهای مجهز به سامانه دفاع ضد موشکی بالستیک AEGIS در منطقه خلیج فارس و دریای عمان، خرید و استقرار چندین آتشبار سامانه ضد موشکی THAAD توسط امارات متحده عربی و همچنین خرید این سامانه توسط عربستان و تحویل آن در آینده‌ای نه چندان دور، نمایانگر این واقعیت می‌باشد که بخش پرتابی سپر دفاع موشکی ایالات متحده آمریکا به غیر از سامانه GMD که مختص مقابله با موشک‌های قاره پیما بوده و در مرزهای آمریکا مستقر می‌باشد، مابقی سامانه‌های موشکی نیز با سرعتی فزاینده در حال استقرار در جای جای منطقه خلیج فارس می‌باشند.

وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون، روز جمعه ۱۴ مهرماه ۱۳۹۶ اعلام کرد که وزارت خارجه آمریکا فروش سامانه‌های پیشرفته ضد موشکی THAAD به عربستان سعودی را تایید کرده است. آژانس همکاری‌های دفاع امنیتی وابسته به پنتاگون در بیانیه‌ای اعلام کرده است: فروش این سامانه ضد موشک بالستیک در راستای منافع ملی آمریکا و سیاست خارجی آن است و همچنین از امنیت عربستان و حوزه خلیج فارس در برابر تهدیدهای منطقه‌ای از جمله ایران حمایت می‌کند. (رادیو فردا، ۱۵/۰۷/۹۶)

آمریکا و کشورهای خلیج فارس در خاتمه سال ۲۰۱۶ یک رشته معاملات کلان در بخش همکاری نظامی و فنی را نهایی کردند. در معاملات اخیر نظامی صورت گرفته میان آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس مسایلی فراتر از فروش سلاح به این کشورها رخ داده است. بین انبوه این معاملات یک معامله بالقوه جالب و دارای اثر مستقیم بر منافع روسیه به چشم می‌خورد. این معامله به فروش رادار استراتژیک و برد بلند ۵ Block ۱۳۲-AN/FPS (با برد ۵۰۰۰ کیلومتر) ساخت شرکت آمریکایی Raytheon به قطر اختصاص داشت. با توجه به مشخصات فنی (و برد بالای) این رادار ابهاماتی در رابطه با چرایی استقرار این سامانه در کشور قطر مطرح می‌گردد. در واقع این رادار نه بخشی از پدافند ضد موشکی منطقه‌ای، بلکه یکی از اجزاء سامانه جهانی هشدار اولیه حمله موشکی برای آمریکا است. دوم اینکه توان این ایستگاه راداری بطور محسوس از توان لازم برای نظارت بر فعالیت‌های نظامی ایران فراتر می‌رود. این ایستگاه می‌تواند اهداف فضایی را در شعاع ۵۰۰۰ کیلومتر پیگیری کند. اما ایران در شعاع ۱۵۰۰ کیلومتری قطر تمام می‌شود. از این رو این سامانه نمی‌تواند باعث ناراحتی روسیه نشود زیرا رادار پیش اخطار اولیه ۱۳۲-AN/FPS قطر تقریباً همه بخش اروپایی روسیه را تحت پوشش قرار داده و اجازه می‌دهد پرتاب موشک‌های این کشور را از نواحی کلیدی چون کوزلسک، تیکوو

۵- تاثیر استقرار سپر دفاع موشکی خلیج فارس بر امنیت این منطقه

طرح سپر دفاع موشکی ایالات متحده و اجرای آن در دنیا به ویژه منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، به دلیل دامنه وسیع تأثیرگذاری آن و نیز پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم آن برای نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه در ابعاد امنیتی، همواره واکنش اعضای جامعه بین‌الملل و تعدادی از کشورهای منطقه را به همراه داشته است. و مناظرات دیپلماتیک شدیدی را در سطح منطقه و نظام بین‌الملل برانگیخته است. اما به رغم آنکه هدف محوری راهبرد برتری طلبی تهاجمی دفاع موشکی آمریکا، تسلط بر خاورمیانه و خلیج فارس است، اما مجادله‌چندانی در مورد آثار و تبعات امنیتی گسترش و استقرار دفاع موشکی آمریکا در این منطقه صورت نگرفته و گویی نظرات و مصالح امنیتی کشورهای عربی حاشیه‌ای این منطقه در محاسبات و ملاحظات آمریکا محلی از اعراب ندارد. هر چند هواداران برپایی سامانه دفاع موشکی در آمریکا، با تأکید بر ماهیت تدافعی این طرح، موضوع افزایش ضریب امنیتی ایالات متحده و شرکای آن را رهاورد اصلی اجرای این طرح می‌دانند و از ارتقای ثبات جهانی در صورت استقرار سپر موشکی سخن می‌رانند، اما نمی‌توان کتمان کرد که برپایی چنین طرح عظیمی محرک بروز تغییرات امنیتی بنیادینی در نظام بین‌الملل خواهد بود که لزوماً ملازم با حفظ ثبات استراتژیک جهانی نخواهد بود. منتقدان طرح آمریکا عمدتاً با استناد به پیامدهای منفی این طرح برای امنیت جهانی به مخالفت با آن می‌پردازند. (امیری، ۱۳۸۶: ۱۴۳)

کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به ویژه بعد از تحولات عراق، روند مقابله جویانه‌ای را با ایران در دستور کار قرار داده‌اند. بدین ترتیب مقابله با توانمندی‌های ایران از جمله توان موشکی تبدیل به هدف فوری آن‌ها شده است. متأسفانه به رغم اشتراکات فرهنگی و دینی و منافع مشترک در زمینه حفظ امنیت منطقه‌ای و تضمین تجارت نفت و گاز، نوع ادراک و رفتار سیاسی آن‌ها نسبت به رژیم صهیونیستی در حال دگرگونی است و در سال‌های اخیر، ایران و توانایی موشکی و نظامی آن را اصلی‌ترین تهدید امنیتی خود می‌دانند. اجرای طرح سپر موشکی به ویژه به میزبانی (کشورهای عرب حاشیه) جنوبی خلیج فارس، نه تنها تهدید مستقیم (بر علیه) امنیت جمهوری اسلامی ایران است، بلکه آثار و عواقب وخیمی نیز در حوزه منطقه‌ای ایجاد می‌کند. به هر حال آنچه مسلم است، رویکرد تهاجمی با استفاده از گسترش سامانه سپر موشکی در اطراف ایران، جمهوری اسلامی ایران را در معرض چالش‌های نوین امنیتی و نظامی قرار داده است. این چالش‌های نوین، معمای امنیتی منطقه‌ای را برای ایران پیچیده‌تر از گذشته می‌کند و محتاج سطوح نوینی از بازدارندگی است. (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۰۹-۱۰۸)

استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت منطقه

"استفن والت" نظریه‌پرداز واقع‌گرای تدافعی، براساس اصل توازن تهدید معتقد است؛ هرگونه رفتار راهبردی کشورها می‌تواند منجر به پیامدهای غیرقابل مهار گردد. وی تأکید می‌کند که استقرار و گسترش سپر دفاع موشکی یا تلاش آمریکا برای سیطره و برتری طلبی، منجر به شرایط غیرقابل پیش‌بینی می‌گردد. در این شرایط، سایر کشورهای رقیب و مخالف، سخت‌تر خواهند کوشید مراقب خود باشند. (ایکنبری، ۱۳۸۸: ۱۰۳)

از طرفی در شرایط جدید حاکم بر نظام بین‌الملل، رقابت بر سر کنترل منابع قدرت و بازارهای اقتصادی میان قطب‌های اقتصادی مطرح جهان تشدید گردیده است، به اعتقاد جفری هارت کنترل بر منابع، کنترل بر بازیگران را در پی دارد و کسی که بازیگران را کنترل کند نتایج بازی را تعیین می‌کند. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۳: ۱۵۳). بر همین اساس مسأله خلیج فارس یک مسأله جهانی است و بی‌ثباتی در امنیت انرژی، ثبات جهانی را تهدید می‌کند. بنابراین مبالغه نیست که بگوییم الگوهای امنیت منطقه‌ای که ارائه می‌گردد اگرچه به ظاهر منطقه‌ای هستند اما پایه‌های امنیت جهانی را تشکیل می‌دهند و مکانیسم‌های امنیتی موجود در منطقه که دیروز طراحی شده‌اند امروز پاسخگوی مسائل نیستند. با توجه به جهت‌گیری مشخص استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه خاورمیانه و در راس آن منطقه خلیج فارس باید انتظار داشت که این امر اثرات نامطلوبی بر امنیت این منطقه بر جای گذارد که می‌توان آن را در قالب گزاره‌های ذیل مورد اشاره قرار داد:

۵-۱- شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی جدید

براساس نظریات رئالیستی روابط بین‌الملل، وقتی کشوری اقدام به افزایش و نمایش قدرت خود می‌کند، باعث می‌شود سایر کشورها احساس ناامنی کنند و در نتیجه دست به اقدام متقابل زده و رفتار یکسانی را که همان افزایش قدرت است را تکرار می‌کنند. (والترز، ۱۳۹۵: ۸۴) استقرار طرح دفاع موشکی آمریکا مسابقه تسلیحاتی گسترده‌ای را در (منطقه) به راه خواهد انداخت. این طرح، توان دیگر کشورها را برای وارد آوردن ضربه تلافی‌جویانه به آمریکا کاهش خواهد داد. نتیجه آن است که بسیاری از کشورهایی که از اجرای طرح دفاع موشکی آمریکا تصور تهدیدآمیزی دارند به سمت ارتقای توانایی‌های نظامی خود برای بی‌اثر ساختن این سامانه دفاعی پیش خواهند رفت. به همین دلیل بسیاری از کارشناسان و مقامات سیاسی در کشورهای مختلف اجرای طرح واشینگتن را نقطه آغازی برای به راه افتادن یک مسابقه تسلیحاتی گسترده در جهان قلمداد می‌کنند. (امیری، ۱۳۸۶: ۱۴۵) یک تناقض اساسی در کاری که ایالات متحده انجام می‌دهد و چیزی که حاصل آن خواهد بود وجود دارد. در زبان چینی یک عبارت مختصر و زیبا برای تناقض وجود دارد و آن "مائودون" می‌باشد که معنی ادبی آن "سپر و نیزه" است.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

چیزی که ایالات متحده طراحی کرده است عبارت است از تعبیه و تدبیر یک سپر برای خودش. بدین معنی که آسیب پذیری اش در برابر تیرها و نیزه‌های دشمنانش در زمانی که پیشرفت و تفوق او کماکان ادامه دارد، کمتر گردد. البته این طرح خوبی نیست و ناامنی را به همراه دارد، طوری که به صورت خودکار یک عدم موازنه را به وجود خواهد آورد. کشورهای دیگر مشغول تیز کردن نیزه‌هایشان برای یک هدف هستند و آن توانایی رخنه در این سپر جهت بازیابی موازنه است. (محمدی، ۱۳۷۹؛ ۹۳)

۵-۲- کاهش توان بازدارندگی ایران

استقرار سپر دفاع موشکی به طور کلی در هر یک از کشورهای همسایه جمهوری اسلامی، نوعی تهدید برای منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی تلقی می‌شود، زیرا که هدف آن کاستن از قدرت بازدارندگی این کشور است. سپر دفاع موشکی بخشی از راهبرد کلی آمریکا برای مدیریت منطقه غرب آسیا است که البته جهت‌گیری اصلی آن به سوی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. با اجرای این سیاست، توانایی ایران در ایجاد ضربه دوم در پاسخ به تهاجم اولیه دشمن کاهش می‌یابد و این، هدف و پیامد اصلی این طرح می‌باشد. چنانچه ژنرال پترائوس که پیشتر مقام سرفرماندهی کل ارتش ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا، شرق آفریقا و آسیای مرکزی را بر عهده داشت، در هنگام اعلام استقرار سپر موشکی آمریکا در خلیج فارس مدعی شد این سیستم برای بازدارندگی و ارتقای توان دفاعی کشورهای منطقه در برابر قدرت موشکی ایران است. (McGreal, ۲۰۱۰) آنچه که در صحنه خاورمیانه در جریان است یک برنامه کاملاً مشخص و هدف دار، برای توقف و در نهایت کاهش قابل توجه توان موشکی و دفاعی کشور ایران است. خریدهای گسترده اعم سامانه‌های ضد موشکی از قبیل پاتریوت و تاد و سامانه‌های راداری برد بلند از قبیل رادار AN/TPS-۵۹ مستقر در بحرین و خرید رادار برد بلند و راهبردی AN/FPS-۱۳۲، شاید در نگاه اول برای کسی معنی خاصی نداشته باشد، اما زمانی که قطعات این پازل در کنار هم چیده می‌شود، مشخصاً با یک سناریوی پیچیده و خطرناک بر علیه برنامه موشکی ایران رو به رو خواهیم شد. به این ترتیب به نظر می‌رسد، غربی‌ها در طراحی خود، قرار است ضمن اعمال تحریم‌های جدید به بهانه توان موشکی کشورمان، تلاش‌های فنی و نظامی لازم را برای ایجاد یک زنجیره سامانه‌های پدافند موشکی آمریکایی در اطراف ایران کامل کنند و در نهایت، یکی از مهمترین اهرم‌های دفاعی و بازدارندگی کشورمان را خنثی سازند.

_____ استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه خلیج فارس و تاثیر آن بر امنیت منطقه ۵

۳-۵- تغییر موازنه نظامی و کاهش مزیت ژئوپلیتیک ایران:

اثر دیگر استقرار سامانه دفاع موشکی در خلیج فارس، تغییر موازنه نظامی و کاهش مزیت‌های ژئوپلیتیک ایران در منطقه است. جمهوری اسلامی با طولانی‌ترین ساحل در شمال خلیج فارس و نیروی دریایی و پایگاه‌های هوایی مستقر در جزایر و همچنین در اختیار داشتن جزایر راهبردی در دهانه خلیج فارس به عنوان یک سد دفاعی مستحکم، عملاً اراده برتر در خلیج فارس را در اختیار دارد. لذا هرگونه تجهیز نظامی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و به ویژه طرح سامانه دفاع موشکی باعث می‌شود مزیت‌های ژئوپلیتیک ایران در خلیج فارس که موجب برتری مطلق نظامی ایران است، دچار کاهش شود. (مرادی، ۱۳۹۴)

۴-۵- تیرگی روابط و بی‌ثباتی منطقه‌ای:

تأثیر دیگر (استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه خلیج فارس) تداوم خصومت میان کشورهای حوزه خلیج فارس و تداوم ناامنی و بی‌ثباتی در این منطقه است. در واقع آمریکا همواره تلاش کرده است تا یک نظام امنیتی با تکیه بر رویکردهای «مهار»، «تهدید خیالی جمهوری اسلامی ایران» و عمدتاً بر محور «نظام امنیت وارداتی» مبتنی بر منافع بازیگران فرامنطقه‌ای یا طرف سوم در خلیج فارس ایجاد نماید. (کرمی، ۱۳۸۵) نقش عوامل بیرونی در افزایش بی‌اعتمادی بین کشورهای عربی و ایران و به طور خاص، گسترش ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی از سوی قدرت‌های غربی، عامل کلیدی در گسترش تعارضات منطقه‌ای است. بررسی موضع‌گیری‌ها و اقدامات کشورهای عربی خاورمیانه، درمورد برنامه‌ی هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، نشان می‌دهد که کشورهای عربی در فضای توهمی «ایران‌هراسی» که از سوی غرب ساخته شده است، افتاده‌اند. از این منظر، وارونه‌نمایی، تهدید‌نمایی و حتی قریب‌الوقوع بودن تهدید از سوی ایران، در چارچوب پیگیری برنامه‌ی هسته‌ای صلح‌آمیز، نسبت به حاکمیت ملی دولت‌های غربی، سبب برخی اقدامات واکنشی بحران‌ساز از سوی آن‌ها شده است. اقدامات دولت‌های غربی را در قالب خرید تسلیحات نظامی متعارف، همکاری‌های نظامی با قدرت‌های غربی برای مقابله با توهم تهدید ایران، در این زمره‌اند. (جوکار و طوسی، ۱۳۸۹:۱۹۶)

۵-۵- سپر دفاع موشکی زمینه ساز تهاجم و ضربه اول

اصطلاح «پدافند موشکی» نباید گمراه‌کننده باشد. ما شاهد سامانه تهاجمی هستیم که هدف آن دستیابی به برتری جنگی و جان سالم به در بردن متجاوز در صورت وارد کردن ضربه

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ —

اول است. نه تنها بیانات جنگ جویانه اسرائیل که همه بدان عادت کرده‌اند بلکه گام‌های مشخص نظامی و سیاسی ریاست پادشاهی‌های خلیج فارس حاکی از آن است که پیش‌دستی در زمینه وارد کردن ضربه به ایران، عنصر کلیدی دکترین نظامی تلاویو و ریاض، نزدیکترین متحدان ایالات متحده در خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. ائتلاف ضد ایرانی مجبور است یکپارچه شود که به این منظور به پایه‌های جدی نیاز دارد. سپر ضد موشکی خلیج فارس که در آن منافع سیاسی و مالی نخبگان حاکم بر واشنگتن، تلاویو و کشورهای خلیج فارس به هم تنیده شده است، می‌توان نقش بهترین مبنای اتحاد آن‌ها را ایفا کند. ولی تاریخ جدید نشان داده است که تهدید به تجاوز از نظر کارایی از تجاوز مستقیم دست کمی ندارد. ائتلاف ضد ایرانی با وجود جنگجویی خود خوب می‌فهمد که مناقشه جنگی با ایران نه تنها برای پادشاهی‌های عربستانی بلکه برای اسرائیل و در نهایت امر برای حضور آمریکا در خاورمیانه عواقب فاجعه باری به دنبال خواهد داشت. لذا ضمن بحث درباره جنبه نظامی سپر ضد موشکی خلیج فارس نباید جنبه سیاسی آن را هم نادیده گرفت. (نیکولایف، ۲۰۱۳)

۵-۶- باز داشتن کشورهای عربی از حرکت در مسیر ساخت سلاح‌های

اتمی

بزرگنمایی توهم تهدید از سوی ایران سبب شده است که کشورهای عربی درصدد پیگیری کسب سلاح‌های بیولوژیکی، شیمیایی و هسته‌ای برآیند. به دلیل ضعف بنیه علمی و فقدان زیرساختارهای سخت‌افزاری لازم، امکان ایجاد تأسیسات هسته‌ای، به منظور غنی‌سازی سطح بالا و بازفرآوری اورانیوم، برای آن‌ها وجود ندارد. ولی برخی گزارشات مثل گزارش سفیر سابق ایالات متحده در عربستان سعودی «چاس فریمن» مبنی بر تلاش این کشور به منظور خریداری سلاح از پاکستان، بدلیل ضعف سیستم کنترلی این کشور بر انبارهای هسته‌ای خود، زنگ خطر گسترش سلاح هسته‌ای را در منطقه به صدا درآورده است. (جوکار و طوسی، ۱۳۸۹:۱۹۸) ایالات متحده آمریکا در تلاش برای حفظ اعتماد کشورهای عربی منطقه خلیج فارس به خود و رفع نگرانی‌های آن‌ها نسبت به رویه‌های کنونی سیاست خارجی این کشور در خصوص برنامه اتمی ایران، طرح سیستم دفاع هوایی مشترک را مطرح کرده است. اما در این زمینه اهداف دیگری را دنبال می‌کند این کشور با اجرای چنین طرحی انگیزه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را برای دنبال کردن برنامه‌های اتمی به شدت کاهش خواهد داد. چنین سیستمی عاملی بازدارنده در مقابل حملات موشکی اتمی و غیراتمی خواهد بود و بدین نحو احساس ناامنی این کشورها را به شدت تقلیل داده و آن‌ها را از دنبال کردن برنامه‌های احتمالی ساخت سلاح اتمی باز خواهد داشت. (جعفری، ۱۳۹۴)

۵-۷- فروش تسلیحات در راستای تکمیل کننده تسلیحات آمریکایی در

منطقه

کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به دلیل فقدان تجربه نظامی، ژئوپلیتیک محدود و جمعیت کم، توانایی اتکا به قدرت داخلی برای پیگیری اهداف خود را ندارند. به همین دلیل با بزرگ نمایی توهم تهدید از سوی ایران، زمینه برای حضور قدرت‌های غربی به منظور تأمین امنیت نظامی خارجی فراهم می‌شود. کشورهای عربی خلیج فارس نیز متأثر از این القائات به چنین همکاری‌هایی دست می‌زنند. از نظر کلی، در سیاست اعلامی کشورهای عربی، خرید تسلیحاتی، به عنوان نوعی سیاست متعارف و معمول در برنامه استراتژیک این کشورها خصوصاً کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بیان شده است، ولی تحلیل دقیق‌تر نوع تسلیحات خریداری شده حکایت از آن دارد که گزینش و تأکید بر نوع خاصی از تسلیحات حاکی از نگاه حرفه‌ای به اهداف نظامی خاصی است. (جوکار و طوسی، ۱۳۸۹: ۱۹۶-۱۹۸) بر اساس نوع و تقسیم‌بندی سلاح‌ها، می‌توان دریافت که سیاست تسلیحاتی ایالات متحده بر مبنای «هماهنگ‌سازی» یا «یکسان‌سازی» تسلیحات طراحی شده است. در این رویکرد تلاش می‌شود تا تسلیحات هماهنگ با سیاست تسلیحاتی ایالات متحده در منطقه توزیع شود تا در صورت نیاز، تکمیل کننده تسلیحات آمریکایی باشد. (قربانی، ۱۳۹۱: ۶۹)

۵-۸- دفاع از خاک اسرائیل

هدف آمریکا از تلاش برای ایجاد سامانه‌های دفاعی در پیرامون ایران (ترکیه و خلیج فارس)، مهار ایران و کاهش توان موشکی جمهوری اسلامی است. در واقع آمریکا قصد دارد از رژیم صهیونیستی در برابر حمله‌های موشکی ایران در آینده حفاظت کند و با پیوند سامانه دفاعی کشورهای حوزه خلیج فارس با ترکیه و رژیم صهیونیستی، یک سامانه دفاعی قدرتمند را بوجود آورد. هدف این سامانه نزدیکتر کردن هرچه بیشتر کشورهای حوزه خلیج فارس به یکدیگر و فاصله‌گیری بیشتر از ایران می‌باشد. تلاش می‌شود تا ترتیبات امنیتی جدیدی که در خلیج فارس برپا می‌شود براساس "ایران هراسی" باشد و ایران را به جای رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن اصلی جلوه دهد. (قربانی، ۱۳۹۱: ۲۸) در واقع، تقویت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با سامانه‌های دفاعی بیشتر از آنکه در راستای دفاع از این کشورها باشد، با هدف تکمیل سپر دفاع ضد موشکی صورت می‌گیرد که در درجه نخست هدف آن می‌تواند حفاظت از اسرائیل با هزینه کشورهای عربی باشد. به بیان دیگر، هدف غایی آن‌ها ایجاد سپری بازدارنده در مقابل

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

حملات احتمالی ایران به اسرائیل است. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱) سیاست تسلیحاتی ایالات متحده در منطقه، همواره بر توجه به برتری نظامی اسرائیل صحنه گذاشته است. در این چار چوب، ایالات متحده با فروش تسلیحات پیشرفته‌تر به اسرائیل، همواره تلاش کرده است تا برتری این رژیم را نیز حفظ کند. (قربانی، ۱۳۹۱: ۶۹) با وجود اینکه (مقامات آمریکایی) مدعی شده‌اند سپر دفاع موشکی برای بازدارندگی و ارتقای توان دفاعی کشورهای منطقه در برابر قدرت موشکی ایران است. اما کارشناسان بر این باورند، هدف اصلی آمریکا نه پشتیبانی از اعراب خلیج فارس، بلکه حمایت از اسرائیل است و در واقع سیستم ضد موشکی آمریکا در خلیج فارس می‌تواند در صورت هرگونه حمله به اسرائیل، در همان مرحله نخست وارد عمل شده و خاک این رژیم را مصون نگه دارد. از سوی دیگر اتحاد استراتژیک واشنگتن با کشورهای عربی همسایه ایران، حرکتی نظامی و بازدارنده تلقی می‌شود و این نخستین بار است که آمریکا، اعراب و رژیم صهیونیستی، یک حلقه تصمیم‌سازی مشترک در قالب اتحاد استراتژیک تشکیل داده‌اند. (پوررشیدی، ۱۳۹۱) بدون شک تلاش ایالات متحده این است تا تمامی سامانه‌های ضد موشکی منطقه را با یکدیگر مرتبط و تحت کنترل و هدایت شبکه یکپارچه فرماندهی و کنترل سپر موشکی قرار دهد. در واقع سیستم دفاع موشکی مورد نظر آمریکا که اخیراً مطرح شده است یک سیستم دفاع هوایی مشترک را دنبال می‌کند که در آن باید سیستم‌های راداری و سامانه‌های موشکی این کشورها با هم ترکیب شده و سیستمی آمریکایی و با مدیریت این کشور در منطقه مستقر شود. اما با توجه عدم اطمینان کشورهای عربی به یکدیگر و از همه مهمتر هراسی که کشورهای عربی از قدرت طلبی عربستان سعودی دارند، حتی تحت بهترین شرایط سیاسی، چالش‌های بسیاری در برابر ایجاد یک سامانه یکپارچه دفاع در منطقه وجود دارد. بدون شک این کشورها رقابت‌های دیرینه‌ای در مسائل مختلف و از همه مهمتر رقابت بر سر کشوری که باید فرماندهی سامانه دفاع مشترک را برعهده بگیرد با هم دارند. لذا تا زمانی که این کشورها رقابت‌ها را کنار نگذاشته، اطلاعات را با هم تقسیم نکرده و سامانه‌های خود را نیز با یکدیگر هماهنگ نکنند نمی‌توان انتظار بهره‌برداری کامل از تمام قابلیت‌های سپر دفاع موشکی واحد در منطقه خلیج فارس، آن هم تحت فرماندهی ایالات متحده را داشت.

نتیجه گیری

تحولات مربوط به سپر دفاع موشکی و کشیده شدن دامنه این طرح از اروپا به منطقه خاورمیانه و در راس آن منطقه خلیج فارس، بیش از پیش بر مناسبات کشورهای منطقه خلیج فارس با یکدیگر و همچنین مناسبات این کشورها با آمریکا سایه انداخته است. از طرفی اجرای این طرح آثار و پیامدهای متناهی را نیز برای نظام بین‌الملل به همراه داشته است. رهبران ایالات متحده در یک دهه اخیر بر پایه نظریه‌های رئالیسم تهاجمی در پی کاهش آسیب‌پذیری خود در مقابل تهدیدات احتمالی آینده و بازداشتن مخالفان و دشمنان از ایجاد هرگونه مخاطره و تهدید با استفاده از توان نظامی و به ویژه موشکی بر علیه ایالات متحده و منافع این کشور و هم‌پیمانان آن و از طرفی تغییر در موازنه قدرت و حداکثرسازی امنیت و هژمونی جهانی بوده‌اند. پس از تهدید و واکنش روسیه نسبت به استقرار سپر دفاع موشکی در اروپا، واشینگتن در دوره ریاست جمهوری اوباما، گسترش این طرح را به منطقه خاورمیانه و در راس آن خلیج فارس شروع نموده که با گذشت بیش از یک دهه همچنان در حال اجرا می‌باشد. با توجه به جهت‌گیری مشخص استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه خاورمیانه و در راس آن منطقه خلیج فارس این امر اثرات نامطلوبی را بر امنیت این منطقه بر جای گذاشته است که مهمترین آن شروع یک مسابقه تسلیحاتی گسترده در سطح منطقه بوده است. زیرا آن دسته از کشورهایی که از اجرای این طرح در منطقه تصور تهدیدآمیزی داشته‌اند به سمت ارتقای توانایی‌های نظامی خود برای بی‌اثر ساختن این سامانه دفاعی پیش رفته‌اند. از مهمترین اهداف این طرح نیز کاهش توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران و ارتقای توان دفاعی کشورهای منطقه در برابر قدرت موشکی ایران است.

اثر دیگر استقرار سامانه دفاع موشکی در خلیج فارس، تغییر موازنه نظامی و کاهش مزیت‌های ژئوپلتیک ایران در منطقه است. هرگونه تجهیز نظامی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و به ویژه طرح سامانه دفاع موشکی باعث می‌شود مزیت‌های ژئوپلتیک ایران در خلیج فارس که موجب برتری مطلق نظامی ایران است، دچار کاهش شود. تداوم خصومت میان کشورهای حوزه خلیج فارس و تداوم ناامنی و بی‌ثباتی در این منطقه از دیگر آثار و پیامدهای منفی استقرار این طرح در منطقه می‌باشد. و اصلی‌ترین عامل ناامنی و شکاف سیاسی در دو سوی خلیج فارس گردیده است. در حالیکه ایران همواره بر ایجاد یک نظام امنیت مشارکتی با حضور همه قدرت‌های منطقه‌ای تأکید دارد، اما در مقابل آمریکا با طرح موضوعاتی چون سامانه سپر دفاع موشکی، تضاد بین ایران و همسایگانش را افزایش داده و ناامنی و بی‌ثباتی را در منطقه نهادینه می‌کند. سپر دفاع موشکی یک سامانه تدافعی نیست بلکه سامانه‌ای تهاجمی می‌باشد که هدف اصلی آن دستیابی به برتری جنگی و جان سالم به در بردن متجاوز در صورت

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

وارد کردن ضربه اول است. اما ائتلاف ضد ایرانی با وجود جنگ جویی خود خوب می‌فهمد که مناقشه جنگی با ایران نه تنها برای پادشاهی‌های عربستانی بلکه برای اسرائیل و در نهایت امر برای حضور آمریکا در خاورمیانه عواقب فاجعه باری به دنبال خواهد داشت. لذا ضمن بحث درباره جنبه نظامی سپر ضد موشکی خلیج فارس نباید جنبه سیاسی آن را هم نادیده گرفت.

اجرای چنین طرحی وابستگی امنیتی و دفاعی کشورهای منطقه را به ایالات متحده بیش از پیش نهادینه کرده و خطر دور شدن آن‌ها را از آمریکا کاهش خواهد داد. و از آنجا که موجبات بر هم خوردن نظام موازنه جهانی قدرت به نفع ایالات متحده را فراهم ساخته است، گامی نیز در جهت تقویت روند تک‌قطبی‌سازی در نظام بین‌الملل برداشته است. هر چند به گفته مقامات آمریکایی اجرای سپر دفاع موشکی برای بازدارندگی و ارتقای توان دفاعی کشورهای منطقه در برابر قدرت موشکی ایران است. اما کارشناسان بر این باورند، هدف اصلی آمریکا از اجرای این طرح حمایت از اسرائیل است و در واقع سیستم ضد موشکی آمریکا در خلیج فارس می‌تواند در صورت هرگونه حمله به اسرائیل، در همان مرحله نخست وارد عمل شده و خاک این رژیم را مصون نگهدارد.

نکته آخر این که گسترش و عملیاتی شدن سپر دفاع موشکی یکپارچه در منطقه خلیج فارس با چالش‌های عمده‌ای مواجه می‌باشد که از مهمترین آن‌ها می‌توان به عدم اطمینان کشورهای عربی به یکدیگر و هراسی که کشورهای عربی از قدرت طلبی عربستان سعودی دارند، رقابت‌های دیرینه بر سر مسائل مختلف و از همه مهمتر ائتلاف و رقابت بر سر کشوری که باید فرماندهی سامانه دفاع مشترک را برعهده بگیرد را نام برد. لذا تا زمانی که این کشورها رقابت‌ها را کنار نگذاشته، اطلاعات را با هم تقسیم نکرده و سامانه‌های خود را نیز با یکدیگر هماهنگ نکنند، عملیاتی شدن کامل سپر دفاع موشکی بدان شکلی که مورد انتظار ایالات متحده می‌باشد دور از انتظار است.

منابع

الف: کتب

- ایکنبری، جان (۱۳۸۲). **تنها ابر قدرت**، ترجمه عظیم فضلی پور، تهران: ابرار معاصر
- بیلیس، جان و استیو، اسمیت (۱۳۸۳). **جهانی شدن سیاست، روابط بین الملل در عصر نوین**. تهران: ابرار معاصر
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۳). **نظریه‌های متعارض در روابط بین الملل**، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس
- دهشیار، حسین (۱۳۸۳). **سیاست خارجی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر**، تهران: خط سوم
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). **روابط بین الملل نظریه‌ها و رویکردها**، تهران: سمت
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). **تحول در نظریه‌های روابط بین الملل**. تهران: سمت
- میرشایمر، جان (۱۳۸۸). **تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ**، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- والتز، کنت، (۱۳۹۵). **نظریه سیاست بین الملل**، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: مرکز پژوهش‌ها.

ب: مقالات

- آدمی، علی و دشتگرد، مجید (۱۳۹۱). **ایالات متحده و مهار متخاصمان در چارچوب احاله مسئولیت**، پژوهش‌های راهبردی سیاست، زمستان، شماره ۳، صص ۲۸-۱
- امیرزاده، عباس (۱۳۹۰). **بیداری اسلامی و ژئوپلیتیک جدید قدرت در خاورمیانه**. فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره (۱۳ و ۱۴).
- امیری، مهدی (۱۳۸۶). **طرح دفاع موشکی آمریکا و تأثیرات آن بر امنیت بین‌الملل**، مجلس و راهبرد، شماره ۵۷.
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۱). **جایگاه بازدارندگی متعارف در استراتژی دفاعی دولت باراک اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران**، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۱.
- جوکار، محمد صادق و طوسی، مهدی (۱۳۸۹). **تحلیل تئوریک فرهنگ‌های حاکم بر روابط ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس**، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۷۱-۲۰۲
- حیدری، ناصر الدین (۱۳۹۳). **اثرات تهدیدزای گسترش سپر دفاع موشکی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه مطالعات راهبردی، پاییز، شماره ۶۵، صص ۱۳۴-۱۰۱
- قربانی، ارسلان (۱۳۹۱). **خرید تسلیحات نظامی و همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس**.

- ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
- پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۵.
- کاظمی، علی اصغر و حسین زاده، محمد (۱۳۹۲). **سامانه‌های دفاع ضد موشکی ایالات متحده: از میراث جنگ سرد تا راهبرد نوین اوپاما**، مجله سیاست جهانی، تابستان، شماره ۴.
- کرمی، کامران (۱۳۸۵)، **ایران، عراق جدید و نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس**، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- موسوی، محمد جواد (۱۳۸۳). **نقد کتاب تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ**، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، بهار، شماره ۳۸.
- محمدی، احمد، (۱۳۷۹). **نابودی سیستم سپر موشکی**، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، مهر، شماره ۱۴۱.
- میرزاخانی، رسول و زواری، سید عبدالحمید (۱۳۹۵). **تأثیرات بین‌المللی بر روی فرآیندهای سیاست‌گذاری داخلی الگوهای امنیتی حاکم بر تنگه هرمز و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای**، مجله سیاست دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۱۱.
- واعظی، محمود (۱۳۸۹). **نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه خلیج فارس و چالش‌های هژمونی آمریکا**، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم.

ج: سایت‌های اینترنتی

- پوررشیدی، هاتف (۱۳۹۱). سایت خبری تبیان، کد خبر؛ ۲۰۵۶۲۹، رجوع شود به:
<https://article.tebyan.net/۲۰۵۶۲>
- جعفری، هرمز، (۱۳۹۴). سایت فرادید، کد خبر؛ ۱۶۳۸، رجوع شود به:
<http://faradeed.ir/fa/news/۱۶۳۸>
- خبرگزاری فارس، (۱۳۹۱). سپر دفاع موشکی خلیج فارس؛ ضامن امنیت اسرائیل و منافع آمریکا، رجوع شود به:
<https://www.farsnews.com/news/۱۳۹۱۰۵۲۳۰۰۰۱۴۷/comments/ads.php>
- خبر آنلاین (۱۳۹۱) ضعف سپر موشکی، رجوع شود به:
<https://www.khabaronline.ir/detail/۲۸۱۷۸۵/science/technology/۲۲/۱۱/۹۱-۵۳۲۷۵>
- رادیو فردا، (۱۳۹۶). خرید سامانه تاد توسط کشور عربستان، کد خبر ۲۸۷۷۸۹۳۰، رجوع شود به
www.radiofarda.com/a/us-sales-thaad-saudi-۲۸۷۷۸۹۳۰.html
- نیکولایف، ایگور، (۲۰۱۳) سپر ضد موشکی خلیج فارس: خطر جدید برای امنیت منطقه‌ای، خبرگزاری روسی ایران
<http://pers.iran.ru/news/analytics/۸۰۲۲۲> رجوع شود به:

د: منابع لاتین

- McGreal, Chris (۲۰۱۰), **US raises stakes on Iran by sending in ships and missiles in guardian**: <http://www.theguardian.com/world/۲۰۱۰/jan/۳۱/iran-nuclear-us-missiles-gulf>.